

به یاد استاد فقید

متاسفانه جامعه ما در معرفی و استفاده از اسوه‌های خویش عقیم مانده است. آنان که فروغی از حقیقت و طراوت و لطافتی از انسانیت در جان خویش دارند در این روزگار وانفسا به فراموشی سپرده شده‌اند.



متاسفانه جامعه ما در معرفی و استفاده از اسوه‌های خویش عقیم مانده است. آنان که فروغی از حقیقت و طراوت و لطافتی از انسانیت در جان خویش دارند در این روزگار وانفسا به فراموشی سپرده شده‌اند.

به قول ژان ژورس، سیاستمدار فرانسوی «وفاداری به نیاکان و به گذشته به معنای انتقال خاکستر کانون آنها به زمان حاضر نیست بلکه شعله‌های فروزان آن کانون است که باید منتقل شود و امروز نیز مانند گذشته ما را گرم و روشن سازد. یک شط، زمانی وفادار به سرچشمه خویش است که به سوی دریا روان شود زیرا سرچشمه واقعی وی آنجاست.»

باید به فرزندانمان بیاموزیم که اگر این بزرگان نبودند یأس و نومیدی با امور ناشناخته زندگی بر ما غلبه می‌کرد و ما مدت‌ها پیش باید پرچم سفید تسلیم را برافراشته و به مرگ می‌گفتیم، ما اسیران و بندگان تو هستیم؛ درباره ما هر چه می‌خواهی انجام بده. می‌خواهم این بار از بزرگی برایتان بگویم که شانزده سال از وفاتش می‌گذرد و ما را خطاب قرار می‌دهد: «سال هاست برای فرهنگ و انسانیت و حیات معقول نگاشتم؛ آیا شما توانسته اید آثارم را در این شانزده سال به نسل جدید بشناسانید؟» براستی چه جوابی داریم که بگوییم؟ علامه جعفری به کنار برای بزرگان دیگری که سال هاست از میان ما رخت بر بسته اند چه کاری انجام داده ایم؟ به جز این بوده که تنها بسنده کردیم به مراسمی یا بزرگداشتی؟

علامه محمدتقی جعفری از آن دسته علمای عرصه معرفت و سالکان وادی حیرت بود که غیرت دینی و علمی اش موجب شده بود روزگارش را وقف سخندانی و سخن سنجی و حکمت آموزی کند و قریب به یکصد و اندی اثر از خود به یادگار بگذارد. چنین علمایی را از جهتی می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

1 - کسانی که دارای بینش درون دینی هستند هم نگاهشان درون دینی بوده و هم مسائل شان بیشتر دینی و محصور به علوم دینی است.

2 - گروه بعدی آنها هستند که دارای بینش دینی بوده، اما مسائلمان صرفاً دینی و محصور به علوم دینی نیست، بلکه مسائل آنها بسیار فراخ و گسترده و در برگرفته مسائل مختلف فکری، علمی و فرهنگی بشر است؛ پختگانی از گروه دوم وجود دارند که به خود دین هم از زاویه متفاوت نگاه می‌کنند.

اگر بخواهیم علامه را از این دو دیدگاه بسنجیم؛ او در زمره عالمان گروه دوم قرار دارد. تنوع آثار و موضوعات و مسائل مختلفی که او در آثارش به آنها پرداخته و مخصوصاً دیدگاه‌های انتقادی و تطبیقی ایشان در باب مسائل مستحدثه عرصه علم و فرهنگ بشری از قبیل حقوق بشر، حقوق حیوانات، زیبایی شناسی، عرفان، فلسفه دین، فلسفه علم و... دلیلی بر این مدعاست.

علمایی چون علامه طباطبائی، شهید مطهری، علامه محمدتقی جعفری و... که به علوم و مسائل زمان نیز آشنایی داشتند، سزاوار عنوان عالم دینی هستند، زیرا این گروه از علما، درد دین و درد زمانه و انسان را توأمان داشتند و در درمان نیز متحمل زحمات فراوانی شدند.

استاد جعفری در قسمتی از آثار خود درباره بزرگان رشد یافته که از مادی پرستی به دور هستند می‌فرماید: «شخصیت‌های رشد یافته و سالکان راه خدا با شخصیت و رفتار و گفتار و کردار و اندیشه‌های پاکشان از اساسی‌ترین عوامل توجیه و تفسیر عالم هستی بوده‌اند. انسان‌های رشد یافته با شخصیت و صفات و رفتار بسیار عالی و با عظمتی که از خود نشان می‌دهند، بقدری از ماده و مادیات پرستی فاصله می‌گیرند و بقدری شرف و ارزش پدیدار می‌سازند که چهره عالم را برای ما دگرگون نموده و اثبات می‌کنند جهان طبیعی قدرت به تربیت چنین موجوداتی را دارد.» کلام آخر این که اینک علامه محمدتقی جعفری ظاهراً در بین ما نیست اما افکار و پیامش در روان و مغز ما طنین انداز است. بازخوانی آراء و اندیشه‌های علامه جعفری در عرصه‌های مختلف و بویژه در عرصه فرهنگ از ضرورت‌های زمان کنونی است. افکار عمیق و ناب علامه در زمینه مفهوم شناسی فرهنگ، شکل‌گیری و پیدایش فرهنگ، فرهنگ‌پذیری، تغییر و تحولات فرهنگی، اشتراکات و تفاوت‌های فرهنگی، ارتباطات بین فرهنگ‌ها، دیپلماسی فرهنگی و روش و روش‌شناسی و رویکردهای نظری به فرهنگ و در یک اصطلاح گفتمان فرهنگی می‌تواند نه تنها دستمایه پژوهشگران و صاحب‌نظران و دانش‌پژوهان و دست‌آوردان فرهنگ‌شناسی واقع شده بلکه راهگشای سیاست‌گذاران و مدیران و برنامه‌ریزان و مجریان فرهنگی قرار گیرد تا با کار بست اندیشه‌های وی برون رفت از چالش‌های فرهنگی و اجتماعی را رقم زده و سرنوشت بهتر و متکامل تری برای آیندگان ترسیم نمایند.

فرید صلواتی / جام جم